



عابد یایی

شاعر و منتقد

در معرفی کلمه ادبیات، روشنگر و روشنفکر باید بگویم که این کلمات مسبوق به سوابقی اند، سابقه کلمه ادبیات از روشنگر و روشنفکر بیشتر است. شایدانسان زمانی که ادب را کشف کرد به این نتیجه رسید که باید مؤدب باشد یا ادیب. ادبیات با خواندن و نوشتن به وجود آمد و بی‌گمان کسی که به خواندن و نوشتن آگاه نباشد ادیب نیست، جلوه‌گاه ادبیات، زبان و اندیشه است. هر کسی که زبان و اندیشه داشته باشد و از طریق این دو بتواند با جامعه ارتباط بگیرد، مسلماً کسی است که ادبیات را فهمیده است، اما تا اینکه ادیب شود، راه‌های فراوانی را همراه با مخاطره‌های بسیار در پیش‌رو دارد. ادبیات، بی‌گمان آ‌مان، فرهنگ، تجارب و روح و روان و رفتار یک ملت و سرزمین است.انسان بدون ادبیات، خالی از فرهنگ و زبان است و ادبیات همان زبان است.زبانی رسا و سلیس و شیوا که بتواند در گذر زمان عواطف و علایق اجتماعی و سلاقی فرهنگی ما را به دیگران منتقل کند. کار ادبیات انتقال مفاهیم از یکی به دیگری است.انسان‌ها از قدیم‌الایام از ادبیات به عنوان ابزاری در جهت انتقال حرف خویش در اشکالی بهتر، تشکیل‌تر، بایسته‌تر و شایسته‌تر و مؤثر تر مُستفاد شده‌اند. ادبیات زبانی انسانی است که این زبان در قالب تخیل، احساس، هیجان، طنز، عواطف، عشق و دلدادگی و دلبری تصویر می‌شود. کار فرد ادیب انتقال فرهنگ و مناسبات فرهنگی است. در هر کاری انتقال ادبیات لازم است و با هر کسی بایستی از ادبیاتی استفاده کرد که این ادبیات با شاکله شخصیتی آن فرد سازگار است. انسان‌ها برای امرار معاش خویش و انجام امورات فردی و اجتماعی خود فی‌نفسه به ادبیات نیاز دارند. بدون ادبیات هیچ ارتباطی برقرار نمی‌شود. ارزش انسان‌ها به ادبیات و نوع ارتباط زبانی و کلامی آن‌ها، مرتبط و بستگی دارد. از این منظر، ادبیات به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی ادبیات «در مسیر» و دیگری، ادبیات «بی‌مسیر» است. ادبیات «در مسیر» به ادبیاتی گفته می‌شود که این ادبیات روشنگرانه است و به تعبیری گرایشی بایسته به پایه‌ها و پارامترهای ادبی تازه در روزبه‌روز نیز رشد و نمو پیدا می‌کند. ادبیات در مسیر تابع قوانین و مقررات اسلاف ادبی و کهن الگوهاست، به‌طوری‌که، به کهن الگوها توجه ویژه‌ای دارد و پایه خود را برای رشد مضامین و تمسک‌تر می‌کند. ادبیات در مسیر، الگوپذیر و معتمدپذیر است، یعنی هم پذیرای الگوهای خویش است و هم این که به دنبال عمومیت یافتن زبان و ادب در همه ازمنه‌های تاریخ است. این ادبیات زیرساخت‌ها را نمی‌شکند اما به دنبال ساختن‌هایی از مسیر همان زیر ساخت‌ها در قالبی نوتر است. ادبیات بی‌مسیر نوعی ادبیات معلقی است که ریشه در خویش دارد. این نوع ادبیات به دنبال برساختگی نیست، بلکه در پی ساختنی جدیدتر بر اساس پایه‌های خویش است. مسیری را تغییر می‌دهد و به دنبال ساختن مسیری جدید برای جامعه است. ادبیات بی‌مسیر به معنی ادبیاتی است که همه مسیرها قبلی را نیست و نابود می‌کند و به دنبال ساختن جاده‌های جدید با مؤلفه‌هایی تازه است. بنابراین می‌توان گفت ادبیات بی‌مسیر ادبیات روشنفکر هم محسوب می‌شود و ادبیات در مسیر تقریباً همان ادبیات روشنگر است، روشنگر کسی است که روشنگری می‌کند اما این روشنگری تمایل و گرایش به الگوها دارد و در همین مسیر روشنگری می‌کند. روشنگر یعنی گرایش به روشنائی است، کسی که میل به روشنائی دارد روشنگر به شمار می‌رود. فرق است بین کسی که روشنگری می‌کند با کسی که روشنفکری می‌کند. روشنفکر فکری روشن دارد که ممکن است این فکر روشن از نگاه برخی‌ها خاموش باشد اما روشنگر کسی است که توجه خاصی به روشنگری دارد و مقوله روشنائی را به خوبی درک می‌کند. روشنفکر کسی است که روشنگری هم می‌کند و روشنگر هم کسی است که روشنفکر است. بین روشنفکری و روشنگری تفاوتی عمده هم وجود دارد. این یکی فکری روشن دارد و به جامعه‌ای پویا می‌اندیشد و آن دیگر، گرایشی روشن دارد و تمایل آن به روشنائی‌ها میرهن است، انسان ابتدا روشنگر می‌شود و بعد به روشنفکری دست می‌یابد. برای اینکه روشنفکر باشیم باید جاده روشنگری را طی کنیم. روشنفکر در انتهای جاده روشنگری است. روشنگری می‌تواند پدیده‌ای باشد که در همه ابعاد اجتماعی – فرهنگی پدیدار شده است. روشنگر به معنی استفاده از شهود در شناخت حقیقت است. یعنی انسان متفکر با استفاده و بهره‌گیری از شهود به شناخت از حقیقت پی می‌برد یا می‌تواند روشی از آن نوع شناخت باشد که شناخت‌شناسی می‌شود. ایمانوئل کانت از مهم‌ترین فیلسوفانی است که به مقوله روشنگری التفات ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که در اشکالی متفاوت‌تر به نظام هستی می‌نگرد و روشنگری از نگاه وی به معنی «خروج از کودکی خودخواسته است». کانت می‌گوید: «هستم پس می‌اندیشم» و این هستدگی کانت برای اندیشیدن، نوعی خودخواستگی است، یعنی انسان برای نیل به جامعه هدف خویش در جهان معنا بایستی به یک خود واقعی دست یابد که این خود واقعی بتواند او را به جلو پرتاب کند. کانت معتقد است وظایفی در قبال خودمان و وظایفی در قبال دیگر موجودات داریم، ما هیچ وظیفه‌ای در قبال موجودی نداریم مگر اینکه آن موجود اراده‌ای داشته باشد که ما بتوانیم از آن به طرز تجربی آگاه باشیم. تصور ما بر آن است که خودخواستگی در درون همه موجودات به طور ناخواسته وجود دارد و بی‌شک موجودات در تعامل رفتاری و تعادل زبانی می‌توانند یکدیگر را پیدا کنند.

یکشنبه
۱۴۰۱/۰۸/۰۸
۰۴ ربیع الثانی ۱۴۴۴ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲

سال پنجم
شماره ۱۴۰۴

محدثه امینی به مناسبت انتشار ترجمه تازه‌اش در گفت و گو با آرمان ملی؛

بازار رقابتی ترجمه و مسابقه سرعت



آرمان ملی – بی‌تناصر: ترجمه، در پچه‌ای رو به فرهنگ و ادبیات جهان است و به مخاطبان آثار ادبی این امکان را می‌دهد تا با تازه‌ترین آثار ادبی منتشر شده در اقصی نقاط جهان، آشنا شوند و آن‌ها را بخوانند. این امکان البته به دلیل شرایط خاصی که در کشور ما در زمینه ترجمه و انتشار آثار وجود دارد، با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. عضویت نداشتن ایران در معاهده برن و نپذیرفتن قانون کپی‌رایت، بستر ترجمه و انتشار نامحدود آثار را ایجاد کرده که حاصلش، ترجمه‌های موازی از آثار مشترک است. گاهی پیش می‌آید که یک اثر، همزمان با چند ترجمه از سوی چند متر کز نشر روانه بازار شود. این مساله، خصوصاً درباره کتاب‌هایی که به تازگی مورد تأیید جواز بین‌المللی قرار گرفته‌اند، بیشتر نمود دارد و بعضاً مترجمان را در یک رقابت تنگاتنگ قرار می‌دهد؛ حال آنکه این رقابت می‌تواند تأثیراتی منفی بر کیفیت ترجمه‌ها داشته باشد و باعث شود، ترجمه بهتر و دقیق‌تر از گر دونه رقابت، باز بماند. از طرف دیگر، گرایش بخش قابل توجهی از ترجمه‌ها به سمت آثار مشهور به صرف پر مخاطب بودن آنها در سایر کشورها، می‌توان به قیمت نوعی مدگرایی و محفول ماندن آثار خاص و ارزشمند تمام‌شود. بنابراین، از مترجم حرفه‌ای انتظار می‌رود دست‌کم بخشی از فعالیت خود را به انتخاب و ترجمه تآری اختصاص دهد که صرف‌نظر از موقعیت‌شان در بازار، ارزش افزوده قابل توجهی برای مخاطبان داشته باشد. این دغدغه را با محدثه احمدی که به تازگی ترجمه کتاب «رنگ عدالت» نوشته هارلن کوین را از سوی نشر موت روانه بازار کرده، مطرح کردیم که مشروح نظر ا‌ت‌ش را در ادامه می‌خوانید.

◀ باب دیلن در سال ۲۰۱۶ جایزه نوبل ادبیات را برای «آفرینش بیانی تازه در ترانه‌سرایی آمریکا» را به دست آورد. تا پیش از این جایزه، تنها شعاری از او در یک مجموعه از آثار شاعران ترجمه و به چاپ رسیده بود اما پس از آن چندین کتاب با موضوع اشعار و زندگی باب دیلن منتشر شد. این مساله درباره نویسندگان بسیاری قابل تعمیم است. از این منظر جواز ادبی تا چه میزان در انتخاب آثار ادبی برای ترجمه تأثیر گذارند؟

نویسندگان بسیاری هستند که سال‌ها قلم می‌زنند و با وجود آثار مقبولی که خلق می‌کنند، چندان مورد توجه طیف گسترده‌ای از مخاطبین قرار نمی‌گیرند. اما به محض اینکه جایزه ادبی بزرگی به دست می‌آورند یا در حوزه موضوعی خاصی کاندیدا می‌شوند، توجه همه به سمت آنها جلب می‌شود و حتی آثار قبلی‌شان نیز جان می‌گیرند، پر فروش می‌شوند و مورد استقبال قرار می‌گیرند. قطعاً بسیاری از مخاطبان برای انتخاب یک اثر ادبی به سطح شهرت نویسنده و جوازی که به آن کتاب اختصاص یافته، توجه می‌کنند. در واقع خیلی اوقات مخاطب دو معیار اصلی برای انتخاب آثار ادبی دارد؛ آشنایی قبلی با نام و قلم نویسنده، جوازی و عناوین کسب شده. بیشتر خوانندگان دوست دارند در سطح جهانی مطالعه کنند؛ بنابراین اگر کتابی مورد اقبال جهانی قرار می‌گیرد، ترجیح می‌دهند حتماً ترجمه شود و در دسترس‌شان قرار بگیرد.

◀ در روزهای اوج فروش کتاب‌های خالد حسینی در سراسر جهان، کتاب «کوهستان به طنین آمد» با ترجمه‌های متعدد وارد بازار کتاب شد. انتخاب این چندینی آثار چه آسیب‌هایی را برای مخاطب، مترجم و ناشر به همراه دارد؟

پیش از همه، چنین اتفاقی سردرگمی مخاطب را در پی دارد. وقتی ناشران متعدد، ترجمه‌های مختلفی از یک اثر را روانه بازار می‌کنند، بارها از زبان خوانندگان می‌شنویم این حجم از تنوع که حتی در قیمت اثر نیز مشاهده می‌شود، برایشان گیج‌کننده و ناخوشایند است. از طرفی بازار به شدت رقابتی می‌شود و مترجم و ناشر مجبور می‌شوند برای اول شدن در این مسابقه بجنگند و تحت فشار باشند. ممکن است با کاهش افت نسخه فارسی برخی نشرها مواجه شویم. موازی‌کاری افراطی از لحاظ مالی نیز اصلاً به نفع مخاطب یا ناشر یا مترجم نیز نیست.

◀ در سال‌های گذشته با مترجمانی

گفت‌وگو داشتیم که به دلیل همزمانی ترجمه یک اثر، از انتشار آن اثر به عنوان نخستین ترجمه جامانده‌اند و به همین خاطر ناشر از انتشار کتاب منصرف شده است. از این منظر جایگاه حق و حقوق مترجم را در پروسه نشر چطور ارزیابی می‌کنید؟

بله در این پروسه بیشترین حق از مترجم ضایع می‌شود که ماه‌ها برای کتاب وقت می‌گذارند و با دقت و وسواس روی آن کار می‌کند ولی به دلیل موازی‌کاری‌های زیاد، بعد از این همه وقت و بزرگی که در ترجمه‌شان را کنار می‌گذارند، بنابراین در شرایطی که به احتمال زیاد فضای رقابتی یک کتاب شدید خواهد بود، مترجم مجبور است فشار کاری را تحمل کند و در کوتاه‌ترین زمان، اثری با کیفیت تحویل دهد. در کل شرایط کار روی رمان‌های پرطرفدار و معروف و جایزه‌دار با آثار دیگر متفاوت است و مترجمی که چنین آثاری را قبول می‌کند، باید ویژگی‌های دیگری از جمله سرعت بالا، زمان کافی و تندخوانی داشته باشد. در غیر این صورت حشش ضایع می‌شود و کاری از دستش بر نمی‌آید.

◀ شما در چنین شرایطی قرار گرفته‌اید؟

من در موارد متعدد عهده‌دار ترجمه رمان‌های به اصطلاح رقابتی شدم. همان‌طور که گفتیم چنین پروژه‌هایی باید بسیار فشرده و در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شوند. بعد از اتمام ترجمه، مرحله ویرایش نیز به سرعت انجام می‌گیرد و گاهی در طول روز چندین بار با ویراستار تماس تلفنی داشته‌ام تا هر چه زودتر، کتاب به مرحله نهایی و انتشار برسد. خوشبختانه برایم پیش‌نیامده که ناشر از چاپ کتاب منصرف شود؛ اگرچه در یک مورد اثر غیرداستانی در چنین وضعیتی قرار گرفتم ولی ناشر نظرش را عوض کرد و نهایتاً کتاب چاپ شد. اما در بازار رقابت شکست خورد و دیده نشند. نشرهای کوچک‌تر و مترجمانشان بیشترین ضربه را از تعدد ترجمه می‌خورند.

◀ می‌خواهم این بار از بعد دیگری به این مساله بپردازیم؛ گاهی با آثار ترجمه‌ای مواجه می‌شویم که جوازی خاصی را به دست نیاورده‌اند اما از نگاه مترجم و ناشر گزینۀ ارزشمندی برای ترجمه هستند، آثاری که بعدتر با جوازی ادبی و استقبال جهانی همراه می‌شوند. وظیفه مترجم را در قبال گزینش آثار چطور ارزیابی می‌کنید؟

اخیراً گرایش به سمت چنین آثاری بیشتر شده است تا صرفاً روی تبلیغات جهانی یا اسم و رسم‌ها تکیه نکنیم. اگرچه انتخاب آثاری که هنوز آنچنان در سطح جهانی پر حاشیه نیستند با عنوان ده‌ها

جایزه را یدک نمی‌کشند، واقعاً سخت است. چون در این شرایط، مترجم و ناشر باید زحمت مضاعف بکشند و برای شناساندن اثر به مخاطب بیشتر تلاش کنند. اما جنبه مثبتش این است که در فضای رقابت شدید قرار نمی‌گیریم و به جای عناوین بیشتر روی خود داستان تمرکز می‌شویم. با کمک برنامه‌هایی مثل گودریدز می‌توانیم از میزان توجه مخاطبین به هر کتابی آگاه شویم و خواندن نظرات و بررسی امتیازها و گاه‌ا سابقه ادبی نویسنده در پیش‌بینی موفقیت اثر به ما کمک می‌کند. مترجم و ناشر باید سریع‌تر عمل بردارند، با هوشمندی ویژگی‌های یک اثر ممتاز را بداندند و کیفیت را راجح بدانند. چون نهایتاً ارزش آثار است که سبب ماندگاری آنها در تاریخ ادبیات می‌شود.

◀ با توجه به سابقه شما در حوزه ترجمه، تحلیل‌تان درباره سلیقه مخاطبان امروز ادبیات ترجمه‌ای چیست؟

امروزه در ایران ادبیات ترجمه‌ای به دلیل تنوع محتوا، ژانر و داستان بیشتر مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد. شبکه‌های مجازی و اینترنت باعث شده خوانندگان ارتباط بیشتری با نویسندگان، مترجمان و ناشران داشته باشند و حتی در سطح جهانی با دیگر کتابخوانان به تبادل نظر و تجربه بپردازند. بنابراین از جدیدترین کتاب‌ها و گرایش‌ها در حوزه ادبیات آگاه‌اند. عده‌ای خوانندگان عصر حاضر را به این متهم می‌کنند که طرفداران آثار زرد و کلیشه‌ای هستند اما به نظر من، آنها به خوبی از تفاوت کتاب‌هایی که ده‌شان صرفاً فروش و سرگرمی است و کتاب‌های ماندگار و به جرسته آگاهند.

مخاطب امروز حوزه و ژانر خوانش خود را مشخص می‌کند و می‌داند هر دو دسته آثار برای حفظ حیات کتابفروشی‌ها، نشرها و ادبیات ضروری‌اند و نیازی نیست همه آثار فاخر و خاص بخوانند. همین تنوع است که امروزه در ایران ترجمه را بالاتر از تألیف قرار داده است.

◀ با توجه به تعدد آثار برای ترجمه، و مطالعه‌های گسترده برای انتخاب آثار از سوی مترجمانی همچون شما، آیا می‌توان مترجم حرفه‌ای را یک کارشناس ادبی حرفه‌ای دانست؟

در فضای ترجمه ادبی، فقط مترجم بودن کافی نیست. برای موفقیت باید توانایی‌هایی فراتر از آشنایی با زبان دوم داشت که یکی از آنها، گزینش و کارشناسی آثار متعددی است که روزانه در سطح جهانی چاپ می‌شوند. امروزه ما با مخاطبانی مواجه هستیم که هوشمندانه سیر انتشار و توجه و موفقیت یا شکست کتاب‌ها را دنبال می‌کنند، با دقت دست به نقد می‌زنند و آثار تجاری را از

معرفی کتاب

هشتاد سال داستان‌های کوتاه ایرانی در ایالتا

این کتاب شامل ۲۲ داستان کوتاه از مجموعه ۳ جلدی هشتاد سال داستان‌های کوتاه ایرانی، نوشته دکتر حسن میرعابدینی است که توسط کتاب خورشید در ایران منتشر شد. این کتاب که گزینش آثار به توصیه مولف اثر بوده، حاصل تبادل حقوق بین ناشر ایتالیایی فوری لی‌نا و کتاب خورشید است. پیش‌تر ناشر ایتالیایی حقوق دو کتاب «عشق در دوران نفرت» به ترجمه ابولحسن حاتمی و «برای رفتن به آن دنیا خیلی زود است» با ترجمه هاله ناظمی را به انتشارات کتاب خورشید واگذار کرده بود و در مقابل کتاب خورشید حقوق این اثر را به ناشر ایتالیایی واگذار کرده است. کتاب گزیده‌ای از هشتاد سال داستان‌های کوتاه با ترجمه هاله ناظمی و ابولحسن حاتمی به ایتالیایی و ویراستاری استاد ادبیات دانشگاه رم خانم کاودا می‌کوچی (همسر زنده‌یاد بیژن زرمندلی) به چاپ رسیده است. هم‌طور که ترجمه و چاپ دو کتاب قبلی از حمایت و همکاری‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه ایتالیا بر خوردار بوده این کتاب نیز از سوی ایزمئو (انجمن بین‌المللی مطالعات مدیترانه و شرق) مورد پشتیبانی قرار گرفته است. لیست اسامی نویسندگانی که در این کتاب داستانی از آنها آمده عبارتست از صادق هدایت، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، مهشید امیرشاهی، احمد محمود، غزاله علیزاده، رضا فرخ‌فال، منیرو روانی‌پور، اصغر عبداللهی، شهریار ماندنی‌پور، ابوتراب خسروی، علی‌خدايي، شهاب‌پروین روح، بیژن کارگر مقدم، محمد بکایی، حامد حبیبی، محمد صفدری، محمد کشاورز، محمد مرادی، آسیه نظام شهیدی و فریبا وفی. ساختار کتاب پیرو نسخه ایرانی آن است، به این ترتیب که به مقاله دکتر میرعابدینی با موضوع روند تاریخی داستان کوتاه‌نویسی آغاز شده و برای هر داستان علاوه و معرفی مختصر نویسنده و نام بردن آثار او، با جستاری داستان را نقد می‌شود. مراسم رونمایی از این اثر روز شنبه، با حضور ابولحسن حاتمی و دکتر شیرین ذاکری، پژوهشگر و استاد تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه سپاهنتزای رم و فرانکو اسپوزیتو برگزار شد. کتاب «هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی» از سال ۱۳۰۰ شمسی آغاز می‌شود و تا ابتدای دهه هشتاد ادامه پیدا می‌کند. میرعابدینی در این کتاب ۶۰ داستان کوتاه از ۶۰ نویسنده را که در این بازه زمانی نوشته‌اند، انتخاب کرده است. یادداشت‌هایی که در نهایت ایجاز نوشته شده‌اند اما کامل‌اند و تمام اطلاعاتی را که مخاطب باید بداند در خودشان قرار داده است. حسن میرعابدینی، نویسنده، استاد دانشگاه، پژوهشگر و منتقد ادبی معاصر است. در میان فعالیت‌های حرفه‌ای او می‌توان به تدریس ادبیات معاصر در دانشگاه زنجان و مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز اشاره کرد. از میان آثار منتشر شده میرعابدینی می‌توان به زندگی و آثار بزرگ علوی، تاریخ ادبیات داستانی ایران، تک‌چهره نویسنده، دفتر دوم جهان داستانی ایرانیان، نگاهی به جهان داستانی نیما، شاملو، اخوان ثالث، احمد محمود، جلال آل‌احمد و... اشاره کرد.

مسند عقاب

کتاب «مسند عقاب» نوشته کارلوس فونتنس با ترجمه مهدی سرائی به فارسی منتشر شد. این کتاب در ۴۸۰ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۲۳ هزار تومان توسط نشر افق منتشر شده است. در بخشی از مقدمه مترجم «مسند عقاب» آمده است: «بیچاره مکزیک! چقدر دور از خدا و چقدر نزدیک به ایالات متحده». این جمله تاریخی پورفیرو دیاس، رئیس جمهور مکزیک، است که سی سال و ۱۱۵ روز بر صندلی ریاست جمهوری نشست. جمله‌ای که پس از گذشت یک قرن هنوز هم بر سر زبان‌هاست و رئیس جمهور مکزیک در سال ۲۰۲۰ در دیدار با همتای آمریکایی‌اش، جو بایدن، در آغاز سخن از این جمله استفاده کرد. چند سال پیش از ورود دیاس به ارتش، مکزیک سرزمین‌های شمالی خود را در جنگ با ایالات متحده و دست داده و همسایه شمالی به‌زور و ضرب مکزیکی‌ها را تار و پود گراند به عقب رانده بود. مکزیک در آن نبرد سرزمین‌های نگراس، بخشی از کالیفرنیا و... را از دست داد. اگر در قرن نوزدهم، زیر سایه دکترین مونرو، سیاست‌های همسایه‌های شمالی، در قبال کشورها، آمریکای لاتین، تصاحب سرزمین و مداخله در امور این کشورهای تازه استقلال‌یافته بود، در قرن بیستم سیاست‌های اقتصادی بود که مکزیک را از نظر اقتصاد کوچک و کوچک‌تر کرد تا به‌رغم دارایی‌های نفتی کشور به‌دهکارت باشد. این امر موجب شد طبقه کوچک اشراف در مکزیک شکل بگیرد؛ طبقه‌ای که هر شش سال یک بار در انتخابات قدرت را به دست می‌گرفتند و دارایی‌های کشور را چپاول می‌کردند. فونتنس در «مسند عقاب» – که برخی منتقدان آن را تالی شهریار ماکیاولی دانسته‌اند – بار دیگر به ماجرای مداخله ایالات متحده در کلمبیا، ناگانان با بحرانی مواجه می‌شود که طی آن تمام سیاستمداران کشور دست به قلم می‌شوند و شروع به نامه‌نگاری می‌کنند و در خلال این نامه‌هاست که پیرنگ داستان شکل می‌گیرد.



◀ چه شد که این کتاب را برای ترجمه انتخاب کرده‌اید؟

من در سال ۹۸ رمان «جنگل» از همین نویسنده را ترجمه کردم. «جنگل» با استقبال خیلی خوبی از سوی مخاطبان فارسی‌زبان مواجه شد و مخاطب‌ترین آثار حوزه معمای محسوب می‌شود. بعد از این اتفاق، با همفکری نشر آموت تصمیم گرفتم روی دیگر آثار کوین تمرکز کنم. «رنگ عدالت» یکی از جدیدترین رمان‌های این نویسنده است که بلافاصله بعد از انتشار، در سطح جهانی پرفروش شد و با توجه به سابقه موفقیت ترجمه آثار کوین، درخواست کتابخوانان و ذبیات‌های خط داستانی برای ترجمه انتخاب شد.

◀ در حال حاضر مشغول ترجمه تازه‌ای هستید یا اثری را در صف انتشار دارید؟

بله؛ تازه‌ترین اثر هارلن کوین برای دوستداران ژانر معمایی در صف انتشار قرار دارد. رمان جدیدی از نویسنده بریتانیایی روث ور، نیز به زودی در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت. در کنار این موارد، مشغول کار روی کتاب‌های جدید نویسنده‌گانی هستم که پیش از این، چند اثر از آنها ترجمه کرده‌ام.

